



## فهرست

- ۷ معرفی مصاحبه‌شوندگان
- ۱۱ معرفی مصاحبه‌کنندگان
- ۱۳ مقدمه
- ۲۳ [۱] تئاتر خشونت  
گفت‌وگو با سایمون کریچلی  
ترجمهٔ مینا قاجارگر
- ۳۵ [۲] کاکاسیاه نمی‌تواند فیلسوف باشد  
گفت‌وگو با جورج یانسی  
ترجمهٔ علی حاتمیان
- ۴۷ [۳] آموزش و پرورش باید تخریب‌کننده باشد  
گفت‌وگو با هنری ای. ژيرو  
ترجمهٔ علی حاتمیان
- ۵۹ [۴] بحران پناهندگان بحران انسانیت است  
گفت‌وگو با زیگمونت باومن  
ترجمهٔ مینا قاجارگر
- ۶۹ [۵] وقتی قانون دیگر معادل عدالت نیست  
گفت‌وگو با گاباتی چاکراورتی اسپیواک  
ترجمهٔ علی حاتمیان
- ۷۹ [۶] تخریب محیط‌زیست مصداق جرم علیه بشریت است  
گفت‌وگو ناتاشا لنارد با آدریان پار  
ترجمهٔ امیر قاجارگر

- ۸۹ [۷] شر چیست و قربانی کیست؟  
گفت وگو با سیمونا فورتی  
ترجمه امیر قاجارگر
- ۹۹ [۸] آیا انسان‌گرایی واقعاً انسانی است؟  
گفت وگویی ناتاشا لنارد با کری وولف  
ترجمه علی برزگر
- ۱۰۹ [۹] حیات فکری خشونت  
گفت وگو با ریچارد برنستین  
ترجمه علی تقوی نسب
- ۱۱۹ [۱۰] اعتراضات خیابانی در رسانه‌ها  
گفت وگویی ناتاشا لنارد با نیکولاس میرزوئف  
ترجمه امیر قاجارگر
- ۱۲۹ [۱۱] هنر در زمانه قساوت  
گفت وگو با برانشا ال . اتانژه  
ترجمه عزت رضوانی
- ۱۳۹ [ضمیمه] چگونه می‌شود مخالف خشونت بود؟  
گفت وگویی ناتاشا لنارد با برد اونز  
ترجمه علی تقوی نسب
- ۱۵۳ واژه‌نامه
- ۱۵۷ نمایه

## معرفی مصاحبه‌شوندگان

سایمون کریچلی<sup>۱</sup> فیلسوف انگلیسی است. او درباره تاریخ فلسفه، نظریه سیاسی، مذهب، اخلاق، زیبایی‌شناسی، ادبیات و تئاتر می‌نویسد. کارشناسی و دکتری خود را در رشته فلسفه از دانشگاه اسکس دریافت کرده است. در دانشگاه‌های متعددی استاد مهمان بوده و کتاب‌های بسیاری نوشته است. کتاب‌های کریچلی شامل خیلی کم... تقریباً هیچ: مرگ، فلسفه، ادبیات<sup>۲</sup> و بمان ای توهم؛ نظریه هملت<sup>۳</sup> است.

جورج یانسی<sup>۴</sup> فیلسوف آمریکایی آفریقایی‌تبار و استاد فلسفه دانشگاه اموری است. او نویسنده و ویراستار کتاب‌های متعددی بوده است، از جمله بدن‌های سیاه، نگاه‌های خیره<sup>۵</sup>، نگاه کن! یک سفیدپوست<sup>۶</sup>، و تعقیب تریون مارتین<sup>۷</sup> به همراه جنین جونز. هنری ژيرو<sup>۸</sup> منتقد فرهنگی آمریکایی کانادایی و یکی از پایه‌گذاران علوم پرورشی انتقادی در ایالات متحده آمریکا است. او به خاطر آثارش درباره علوم پرورشی همگانی، مطالعات فرهنگی، تحصیلات عالی، مطالعات رسانه‌ای و نظریه انتقادی مشهور است. در سال ۲۰۰۲ انتشارات راتلج از او به عنوان یکی از پنجاه متفکر آموزشی عصر مدرن نام برد.

---

1. Simon Critchley (1960-)

2. *Very Little... Almost Nothing: Death, Philosophy, Literature*

3. *Stay, Illusion! The Hamlet Doctrine*

4. George Yancy (1961-)

5. *Black Bodies, White Gazes*

6. *Look, a White!*

7. *Pursuing Trayvon Martin*

8. Henry Giroux (1943-)

زیگمونت باومن<sup>۱</sup> فیلسوف و جامعه‌شناس لهستانی‌الصل، استاد ممتاز جامعه‌شناسی در دانشگاه لیدز و یکی از سرشناس‌ترین نظریه‌پردازان اجتماعی بود. مطالعات او بر مدرنیته، هولوکاست و مصرف‌گرایی پست‌مدرن متمرکز بود. آخرین کتاب‌های او بیگانگان پشت در خانه‌ها<sup>۲</sup> و رتروپوپا<sup>۳</sup> هستند.

گایاتری چاکراورتی اسپیواک<sup>۴</sup> نظریه‌پرداز ادبی و منتقد فمینیست هندی و استاد دانشگاه کلمبیاست. او را یکی از تأثیرگذارترین روشنفکران پسااستعماری به شمار آورده‌اند. اسپیواک نویسنده کتاب آموزش زیبایی‌شناختی در عصر جهانی سازی<sup>۵</sup> و شماری کتاب دیگر است.

آدریان پار<sup>۶</sup> فیلسوف و منتقد فرهنگی متولد استرالیاست. او مقاله‌های متعددی درباره جنبش پایداری، سیاست‌های تغییرات آب‌وهوایی، فرهنگ کنشگر و عمل خلاق منتشر کرده است. پار اکنون استاد سیاست‌های زیست‌محیطی و نقد فرهنگی در دانشگاه سین‌سیناتی و مدیر مرکز تحقیقاتی تفت است.

سیمونا فورتی<sup>۷</sup> فیلسوف ایتالیایی است که دغدغه اصلی‌اش فلسفه سیاسی و اخلاق معاصر است. او استاد فلسفه سیاسی در دانشگاه پیدمونت شرقی در ایتالیا و استاد مهمان در حوزه مطالعات اجتماعی در دانشگاه نیو اسکول در نیویورک است. جدیدترین کتاب او دیوهای جدید: بازاندیشی در قدرت و شر امروزی<sup>۸</sup> است.

کری وولف<sup>۹</sup> در آمریکا متولد شده است. او دکتری‌اش را از دانشگاه دوک دریافت کرد. وولف اکنون مدیر مرکز نظریه فرهنگی و انتقادی در دانشگاه رایس و دبیر بنیان‌گذار مجموعه کتب پساانسان‌گرایی در انتشارات دانشگاه مینه‌سوتا است.

ریچارد برنستین<sup>۱۰</sup> فیلسوف آمریکایی است که درباره مجموعه گسترده‌ای از مسائل و سنت‌های فلسفی قلم زده است، شامل نظریه انتقادی، فلسفه اجتماعی، فلسفه سیاسی و هرمنوتیک. او به دلیل شیوه‌ای که متفکران و بینش‌های فلسفی را به هم پیوند می‌دهد شناخته شده است. برنستین به مسائلی می‌پردازد

1. Zygmunt Bauman (1925-2017)

2. *Strangers at Our Door*

3. *Retrotopia*

4. Gayatri Chakravorty Spivak (1942-)

5. *An Aesthetic Education in the Era of Globalization*

6. Adrian Parr (1967-)

7. Simona Forti (1958-)

8. *New Demons: Rethinking Power and Evil Today*

9. Cary Wolfe (1959-)

10. Richard J. Bernstein (1932-)

که جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زندگی معاصر را در بر می‌گیرد. او نویسنده کتاب *خشونت: تأملی بی‌پرده* است.

نیکولاس میرزوئف<sup>۲</sup> نظریه‌پرداز فرهنگ بصری و استاد رسانه، فرهنگ و ارتباطات در دانشگاه نیویورک و نویسنده کتاب *جهان را چگونه ببینیم*<sup>۳</sup> و چند کتاب دیگر است.

براشا ال. اتانزه<sup>۴</sup> هنرمند تجسمی، نویسنده، فیلسوف و روانکاو است. اغلب آثارش نقاشی رنگ روغنی هستند. او یکی از چهره‌های شاخص هم در میان نقاشان فرانسوی و هم در صحنه هنر یهودیان است. تازه‌ترین کتاب وی *وی و قلب من، زخم-فضا*<sup>۵</sup> نام دارد که به مناسبت چهاردهمین دوسالانه استانبول منتشر شد.

---

1. *Violence: Thinking Without Bannisters*

2. Nicholas Mirzoeff (1962-)

3. *How to See the World*

4. Bracha L. Ettinger (1948-)

5. *And My Heart Wound-Space*



## معرفی مصاحبه‌کنندگان

برد اونز<sup>۱</sup> فیلسوف سیاسی و نظریه‌پرداز انتقادی است که آثارش بر مسئله خشونت متمرکز است. او دانشیار رشته خشونت سیاسی در دانشگاه بریستول انگلستان، مؤسس و مدیر پروژه وب‌سایت هیستوریز آو وایدنس<sup>۲</sup> است که به نقد مسئله خشونت در قرن بیست و یکم اختصاص دارد. وی نویسنده کتاب‌های آینده‌های دوراندختنی: جذابیت خشونت در عصر نمایش<sup>۳</sup> (به همراه هنری ژيرو) و حیات انعطاف‌پذیر: هنر خطرناک زندگی کردن<sup>۴</sup> (به همراه جولیان رید) است.

ناتاشا لِنارد<sup>۵</sup> روزنامه‌نگار آزاد به‌طور مرتب با وب‌سایت خبری اینترسپت، هفته‌نامه نیشن و شبکه الجزیره آمریکا همکاری می‌کند. عمده فعالیت او همکاری با مجله اینترنتی نیو اینکوآیری است.

---

1. Brad Evans

2. *Histories of Violence*

3. *Disposable Futures: The Seduction of Violence in the Age of Spectacle*

4. *Resilient Life: The Art of Living Dangerously*

5. Natasha Lennard



# [مقدمه]

انسان در عصر ظلمت\*

برد اونز

ترجمه امیر قاجارگر



---

\* Evans, Brad. 2017. "Humans in Dark Times". *The New York Times*, February 23, 2017.



در اواخر دهه ۱۹۶۰، هانا آرنت برای پرداختن به میراث جنگ و رنج انسانی در نوشته‌هایش از واژه «عصر ظلمت»<sup>۱</sup> استفاده کرد.

دغدغه آرنت صرفاً این نبود که شرایطی استبدادی ترسیم کند که بشر در آن سقوط کرده است. او عمیقاً به اهمیت افرادی که با صداقت به جنگِ سوءاستفاده از قدرت، در تمام شکل‌های ظالمانه‌اش، رفته بودند نیز آگاه بود. او فهمیده بود که مبارزه با خشونت مستلزم این است که ذهن ما به‌طور مداوم با این مسئله درگیر باشد: همه ما ناظرانی هستیم که درس‌ها و هشدارهای قرن‌ها ویرانی غیرضروری هدایت‌مان می‌کند. در طول سال قبل، با دانشمندان برجسته و متعهدی گفت‌وگو کردیم که دغدغه تمامشان به نوعی ارائه نقدی بر خشونت است، نقدی که درخور زمانه ما باشد.

متأسفانه بسیاری از هشدارهایی که داده شد اکنون بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه است. در سرتاسر جهان می‌توان شاهد آزادی تبعیض و تعصبی بود که به واسطه پیدایش سیاست‌های نفرت و تفرقه‌پراکنی برانگیخته شده است، نفرت و تفرقه‌ای که نقش مستقیمی در ترس‌های هرروزه آن‌هایی دارد که شکل‌های جدید فاشیسم اغوایشان کرده است.

---

1. dark times

رسالت استون<sup>۱</sup> این است که هم به فراخور زمان به مسائل پردازد و هم فارغ از آن. خشونت آشکارا چنین پدیده‌ای بوده و نیازمند تأمل سنجیده و هدفمند تاریخی است. اما در اینجا بلافاصله به یک مشکل بر می‌خوریم: اگر مبارزه علیه خشونت نیازمند شکل‌هایی جدید از تفکر اخلاقی است که تنها با صرف وقت بسیار زیاد می‌توان به آن‌ها دست یافت، چنین مبارزه‌ای چه سودی دارد برای وضعیت کنونی، لحظه‌ای که تاریخ به مسیری خطرناک‌تر کشیده شده و به نظر می‌رسد هر روز با سرعت بیشتری در آن گرفتار می‌شود؟

شاید یکی از پاسخ‌ها این باشد که هیچ نقد قابل‌قبولی بر خشونت از یک فرد دانشگاهی برجسته، که تبیین‌های تقلیل‌گرایانه‌ای از دلایل خشونت ارائه می‌کند و راه‌حل‌های مرسوم و متعارف ارائه می‌دهد، صادر نخواهد شد. [به بیان دیگر،] چنین موضعی به اهلی شدن تفکر می‌انجامد و این تفکر اغلب در خدمت سیاست‌های عده‌ای معدود از برگزیدگان است. به جای چنین چیزی، باید میان متفکران، فعالان مدنی، هنرمندان و افراد دیگر گفت‌وگویی جدی ایجاد کنیم که مرز نوشتاری تحقیق آزاد را گسترش می‌دهد، جایی که شعر لباس کرامت انسانی به تن می‌کند و اهمیت گفت‌وگوهای فرارشته‌ای تنها ناظر به آشکار ساختن بحران‌های تفکر سیاسی معاصر نیست، بلکه این گفت‌وگوها همچنین ما را ترغیب می‌کند تا در معنای انسانیت در قرن بیست و یکم بازاندیشی کنیم.

با این ذهنیت، بازنگری گفت‌وگوهای این مجموعه به منظور بیرون کشیدن برخی از تهدیدها، بینش‌ها و نگرانی‌های مشترک و مهم‌تر مفید خواهد بود. گفت‌وگوهای متنوعی که تا اینجا انجام داده‌ایم، هرچند به هیچ‌وجه کامل و فراگیر نیستند، ما را با چارچوب معقولی آشنا می‌کنند که می‌توان در آن بحث بهتری را درباره مسئله خشونت آغاز کرده و روابط صلح‌آمیزتری را میان مردم جهان تصور نمود. بنابراین اینجا به ۱۱ درسی می‌پردازیم که ارزش فکرکردن دارند:

۱. هر خشونتی تاریخچه‌ای دارد. سایمون کریچلی این مجموعه را با یک فراخوان قدرتمند به شناخت تاریخ مشترک ما از خشونت آغاز کرد و توضیح داد که چگونه می‌توانیم

۱. The Stone: فضایی مجازی در نیویورک تایمز شامل مقاله‌هایی از فیلسوفان معاصر راجع به هنر، جنگ، اخلاق، جنسیت و فرهنگ عامه که مصاحبه‌های این کتاب در آن منتشر شده است [ویراستار].

از گذشته برای درک بهتر لحظه کنونی استفاده کنیم. درک طبیعت چرخه‌ای خشونت ضروری خواهد بود اگر بخواهیم درکی محسوس از جلوه‌های معاصر خشونت داشته باشیم و به دنبال شرکت در فرایند دشوار و ناراحت‌کننده شکستن این چرخه باشیم. خشونت در این سیاق هرگز نباید به صورت نظری اندیشیده شود. همان‌طور که کریچلی می‌گوید «واقعیتی زیسته» همراه با «تاریخی انضمامی» با سنتی که ماتراژدی انسانی می‌نامیم ممزوج گشته است. دقیقاً با تاباندن نوری تراژیک به تاریخ است که ما انسان‌ها قادر هستیم جهانی ورای رنج و قصور را تصور کنیم. به همین خاطر است که هنر برای ارائه پاسخی مدنی به خشونت ضروری است.

۲. خشونت چیزی جز آسیب‌زدن به بدن‌ها و نابودی زندگی‌ها نیست. به همین جهت، خشونت هرگز نباید به شیوه‌ای بی‌طرفانه و سرد مورد بررسی قرار گیرد. خشونت اشاره به سیاست‌های غیرمنطقی‌ای دارد که نمی‌تواند از دغدغه‌های سیاسی و اخلاقی ما جدا باشد. ما در شهادت شخصی جورج یانسی مستقیماً با این موضوع روبه‌رو شدیم. یانسی در جواب مستقیم به ستون قبلی خود درباره نژاد چند تهدید خشونت‌آمیز دریافت کرد و این نشان می‌دهد سیاست‌های سرکوب‌نازادی چطور به حیات روانی خشونت مرتبط است. خشونت به شرایط ضدعقلانی‌ای مربوط می‌شود که در آن آزاردادن و سرکوب «دیگری» می‌تواند حالت طبیعی به خود گرفته و به بخشی از ساختار روزمره زندگی تبدیل شود. کلمات در چنین شرایطی می‌توانند عیناً به یک شخص آسیب برسانند.

۳. برای اینکه خشونت شکل بگیرد، باید حافظه تاریخی آزار و اذیت را سرکوب کرد. همان‌طور که هنری ژيرو می‌گوید، این سلاح ساختن از جهل نشانی از خشونت فراموشی سازمان‌یافته است. ما در زمان معاصر خود شاهد اجرای این خشونت هستیم. مطالبات برای بازگشت به «عظمت»<sup>۱</sup> یادآور آن چیزی است که والتر بنیامین در مقاله «نقد خشونت»<sup>۲</sup> خواست (جاذبه) عربان خشونت اسطوره‌ای می‌نامد؛ خاستگاه این مطالبه میل به ساختن وحدتی دروغین در میان مردم بود، وحدتی که عملاً با به‌وجود آمدن زیان‌بارترین جدایی‌ها شکل می‌گرفت. همان‌طور که ژيرو می‌گوید،

---

1. cyclical nature  
2. greatness  
3. "Critique of Violence"

جایگاه آموزش در این فضا دقیقاً همان جایی است که استراتژی‌های مؤثر ضد تروریستی آغاز می‌شود. آموزش همواره شکلی است از دخالت سیاسی که در بهترین حالت افرادی با ذهن انتقادی تولید می‌کند، این افراد شجاعت آن را دارند که در مقابل صاحبان قدرت از حقیقت سخن بگویند و در کنار ستم‌دیدگان جهان بایستند، زیرا آن‌ها خشونت‌ی را به یاد می‌آورند که ستمکاران ترجیح می‌دهند فراموش کنند.

۴. خشونت شامل نابودی فرهنگ‌ها، فضاها و ضرب‌آهنگ‌هایی می‌شود که زندگی یک شخص را شکل می‌دهند. باز هم به نقل از آرت، تنها چیزی که از خشونت حاصل می‌شود نوعی وضعیت «بی‌جهان‌بودن»<sup>۱</sup> است. همان‌طور که زیگمونت باومن گفته، این موضوع هیچ‌جا بیش از وضعیت اسفناک پناه‌جویانی که از یک ویرانی غیرقابل‌تصور می‌گیرند آشکار نیست، در بیشتر مواقع این ویرانی تمام چیزهایی است که پناه‌جویان آرزوی بازگشت به آن را دارند. این حقیقت دارد که مصیبت پناه‌جویان محدودیت همدلی جوامع دیگر نسبت به غریبه‌ها را آشکار می‌سازد. اما دوران معاصر، مخصوصاً، آشکارا نشان می‌دهد که فرصت‌طلبان سیاسی چگونه افراد آسیب‌پذیر را در مقصد مورد نظرشان در مقابل متزلزل‌ترین کارگران قرار می‌دهند، بنابراین وضعیت سیاسی واقعاً مسمومی به وجود می‌آید که زبان امنیت، چه فیزیکی و چه اقتصادی، در آن به‌عنوان یک بازی بده‌بستان ارائه می‌شود و از نگرانی‌های اخلاقی و بشردوستانه پیشی می‌گیرد. بنابراین آنچه در حاشیه باقی می‌ماند فرصتی برای روابط متقابل و همیارانه بر مبنای آسیب‌پذیری دوطرفه است.

۵. سیاسی‌سازی آشکار خشونت می‌تواند شکل‌های خاصی از آن را برای مصرف عامه عقلانی و قابل‌تحمل سازد. همان‌طور که گایاتری چاکراورتی اسپواک می‌گوید، این موضوع به‌هیچ‌وجه از سیاست هويت جدا نیست. در واقع خشونت می‌تواند متشکل از فرایندهای تحقیرآمیزی باشد که هدف از آن‌ها تهی‌ساختن زندگی‌ها و شیوه‌های زندگی از امنیت و حقوق حقه است. این خشونت برخی افراد را، به‌عنوان افراد ذاتاً پست، دوراندختنی و بی‌ارزش، از افراد دیگر متمایز می‌کند. همچنین خشونت اغلب می‌تواند در چارچوب‌های قانونی اعمال شود که در این صورت قانون، به‌جای حفاظت از حقوق مردم، قانونی‌سازی تمام شیوه‌های تعرض

---

1. worldlessness

سیستماتیک یا آشکار را به نام نظم ممکن می‌سازد. این موضوع نیازمند درکی بهتر از آن چیزی است که ما از عدالت منظور می‌کنیم، مخصوصاً زمانی که تلاش می‌کنیم از ساختار شکنندهٔ دموکراسی محافظت نماییم.

۶. بنابراین پرداختن به خشونت مستلزم بازنگری در آن چیزی است که جرمی را علیه بشریت شکل می‌دهد. از آنجا که انسان برای یک زندگی ادامه‌پذیر ضرورتاً به شرایط محیطی شکوفاکننده وابسته است، مسئلهٔ خشونت همچنین ما را به سمت یک بوم‌شناسی تمام‌عیار تفکر هدایت می‌کند. آدریان پار مستقیماً به این مسئله پرداخت، کسی که اهمیت زیست‌کرهٔ جهانی را در کانون توجه قرار داد و خواستار درکی جدید از مسئولیت‌پذیری مشترک در قبال شرایط محیطی موردنیاز برای زندگی شد. او همچنین این سؤال را طرح کرد که در چنین شرایطی جرم علیه بشریت واقعاً به چه معناست. مشخص می‌شود راه‌های بسیاری وجود دارد که در آن‌ها آسیب به محیط‌زیست تا این سطح بالا می‌رود. این نوع از خشونت سؤالات وجودی عمیقی را دربارهٔ معنای انسانیت و جرایم هستی‌شناختی به میان می‌آورد (به عنوان نمونه، جرمی علیه انسان به معنای واقعی کلمه)، جرایمی که برخی از ما علیه خودمان مرتکب می‌شویم.

۷. خشونت مختص هیولاهای بی‌مغز نیست. متأسفانه بیشتر خشونت‌ها استثنایی یا غیرعادی نیستند. همان‌طور که آرنست در جملهٔ معروفش می‌گوید، خشونت را اغلب مردمی اعمال می‌کنند که دستورات را به شکلی عادی و با بی‌فکری اجرا می‌کنند. و همان‌طور که سیمونا فورتی در این مجموعه می‌گوید، خشونت مدرن را صرفاً نمی‌توان بر اساس نفی زندگی یا رانۀ مرگ فرویدی در ضمیر ناخودآگاه شرح داد. بارها و بارها ثابت شده است که حقیقت‌شمردن مدعیات عقلی تمدن‌ها قدرت پیچیدهٔ پیشرفت انسانی را مهار می‌سازد، این در حالی است که تمدن‌های موردبحث به نظم و امنیت متوسل شده و حتی به نام آزادی و عدالت به این امر مبادرت می‌ورزند. چنین خشونت‌هایی اغلب مرز مشخص بین درستی و نادرستی را مبهم می‌سازد. در حقیقت، گرایش به توجیه یا محکوم کردن خشونت، به وسیلهٔ کمک‌گرفتن از واژگان مطلق‌گرایانه‌ای همچون خوبی یا بدی، روابط پیچیده‌تر را پنهان می‌سازد و از طرح پرسش‌های دشوار اما ضروری دربارهٔ سازش‌های شرم‌آور ما جلوگیری می‌کند.

۸. خشونت ما را یک راست به روابط اخلاقی می‌برد. همان‌طور که کری وولف بیان کرد، ما امروز این موضوع را در کامل‌ترین شکل آن، در حرکت‌های فکری به سمت پسانسان‌گرایی و اعطاکردن حقوق هم به انسان‌ها و هم به حیوانات دیگر، شاهد هستیم. نکتهٔ اصلی در اینجا شناسایی و قطع‌کردن شکل‌هایی از سلسله‌مراتب اخلاقی است که اجازه می‌دهد خشونت بر یک حیوان، انسان یا هر موجود دیگری تحمیل شود، موضوعی که ظاهراً توسط چارچوب‌های تأییدشدهٔ انتخاب بیولوژیکی پذیرفته شده است. بنابراین نقدی قابل قبول بر خشونت این سؤال را مطرح می‌کند که طبق حکم ایدئولوژی حاکم کدام صور حیات می‌توانند کشته شوند و کدام یک باید در این نظام به شدت غیرطبیعی چیزها مورد حفاظت قرار گیرند. مبارزه با این نوع از خشونت مستلزم پرداختن به طبقه‌بندی‌های نژادی و بیولوژیکی‌ای است که اجازه می‌دهد کشتارها صورت بگیرد بدون اینکه جرمی اتفاق بیفتد. این مسئله بی‌شک مربوط به وجدان نیز می‌شود.

۹. خشونت در ذهن انسان‌ها و بیشتر مردان آغاز می‌شود. اگر به خشونت تنها از این نظرگاه بنگریم که چه چیزی را می‌کشد و چگونه این کار را انجام می‌دهد یا صرفاً مقیاس ویرانگری و دیگر معیارهای کیفی آن را بسنجیم، مسئله به خوبی درک نخواهد شد. همان‌طور که ریچارد برنستین گفت، هرچند نباید این واقعیت را نادیده بگیریم که خشونت به زندگی انسان‌ها تعرض می‌کند، باید این را نیز در نظر داشته باشیم که خشونت می‌تواند به کرامت و نظام‌های اعتقادی انسان‌ها و شرایط عقلانی یک نظام اجتماعی پذیرفتنی نیز حمله‌ور شود. بنابراین اگر قصد ایجاد ابزار ضروری عقلانی‌ای را داریم که توانایی شکستن زنجیرهای خشونت را دارد، فهم حیات عقلانی خشونت ضروری است. قطعاً اگر شکل‌های نیهیلیستی خشونت نتیجهٔ یک ذهن مرتجع باشد، بخشی از آن چیزی که احتیاج داریم فائق آمدن بر تفکر انفعالی است.

۱۰. علی‌رغم طبیعت تراژیک وضعیت انسانی، مقاومت در برابر خشونت در همه جا وجود دارد. اگرچه مسئله بیان‌کردن قدرت مقاومت، یا بربریت مقابل آن، به‌شیوه‌ای است که به جای برانگیختن وضعیت موجود برانگیزانندهٔ عمل باشد. همان‌طور که نیکولاس میرزوف توضیح داد، امروزه اشباع رسانه‌ای به‌شکلی است که حتی غیرقابل‌تحمل‌ترین شکل‌های خشونت نیز به‌ندرت تأثیری بر وجدان مردم دارد. وقتی هم تأثیری می‌گذارند به‌شیوه‌ای ارائه می‌شوند که خشونت دولتی را در مورد

آن دسته اقلیت ستمدیده‌ای که در جناح اشتباه تاریخ قرار دارند توجیه کنند، یا رنج افراد را بیشتر از رنج عمومی برجسته سازند. نکتهٔ اساسی در اینجا درک قدرتِ تصویر و وساطت زیبایی‌شناختی رنج در میان رسانه‌های بی‌شمار و مختلف است. صرفاً جلب توجه به خشونت کافی نیست. آنچه نیاز داریم درکی بسیار ایجابی‌تر از مقاومت است که توانایی تولید یک تصویر فکری خلاق و چاره‌ساز از کسانی را دارد که هر روز به ازبین بردن مردم ادامه می‌دهند.

۱۱. همان‌طور که برشا اتانژه گفت، برای رسیدن به این هدف باید از طریق بازساخت انسانیتِ هنر جهانی نو بسازیم. هنر همان فضای اخلاقی است که در آن با رنج دیگران مواجه می‌شویم و در مورد اهمیت آن برای یک جامعهٔ انسانی مشترک به تفکر می‌پردازیم. هنر پاسخی مستقیم و خلاق به آسیبِ رنج است. هنر از ارائهٔ تصویری از جهان که برای ما به صورت جهانی فاجعه‌بار ترسیم شده است سر باز می‌زند. بنابراین هنر، با مقاومت مستقیم در برابر آیین‌های مرگ و نابودی، خود را در جناح زندگی قرار می‌دهد. به راستی، همان‌طور که هرچه بیشتر با مناظر ویران‌کنندهٔ خشونت مواجه می‌شویم، با هنر است که می‌توانیم به ارزشمندترین و ظریف‌ترین حیثه‌های قید و بند اخلاقی وارد شویم، قیده‌های اخلاقی‌ای که عشق، محبت و هم‌بستگی انسانی را در کانون توجه قرار می‌دهند.

بدون شک انسانیت در نقطهٔ خطرناکی به سر می‌برد. ناچار باید از خود پرسیم آیا بردباری اخلاقی لازم برای نجات خود از این نابودی تمام عیار را داریم؟ سال گذشته قطعاً در جست‌وجوی پاسخ سالی چالش‌برانگیز بوده است. هم‌زمان با خداحافظی جهان با برخی از بهترین انسان‌ها، شاهد فعالیت دوبارهٔ نیروهای جدید نفرت و خشم سرکوب‌شده بودیم. اما فراموش نکنیم که هنوز فرصت تغییر آینده از دست نرفته است. امروز بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم تا دلایلی برای ایمان آوردن به این جهان پیدا کنیم، زیرا فقط همین یک جهان را داریم. بنابراین وقتی به آینده نگاه می‌کنیم، بیایید قدر ستمدیدگانی را بدانیم که بار ظالمانهٔ تاریخ را نمی‌پذیرند، قدر هنرمندانی که در برابر غم‌انگیزی هستی مقاومت می‌کنند، قدر شاعرانی که شهادت به خرج می‌دهند و از عشقی می‌نویسند که بیان از شرحش عاجز است، قدر موسیقی‌دانانی که روح ما را می‌نوازند و قدر کودکانی که هرگز تسلیم محدودیت‌های زمان حال نمی‌شوند.



[۱]

تئاتر خشونت\*  
گفت وگوبا سایمون کریچلی  
ترجمه مینا قاجارگر



---

\* Critchley, Simon. 2016. "The Theater of Violence". Interview with Simon Critchley.  
by Brad Evans. *The New York Times*.



**ت** می‌خواهم گفت‌وگویمان را با طرح پرسشی به ظاهر مبنایی و درعین حال مبهم و پیچیده آغاز کنم: خشونت چیست؟ بر اساس صحنه‌آرایی رسانه‌ها و فرهنگ عامه، به نظر می‌رسد در جوامع لیبرال خشونت امری فراگیر است. با وجود این، اصطلاح «خشونت» همواره از تعریف معنادار و نقد می‌گریزد. شما از این اصطلاح چه می‌فهمید؟ سایمون کریچلی: درست است. واژه «خشونت» می‌تواند به شیوه‌ای بسیار گسترده و تا حدودی مبهم به کار رود. بنابراین اجازه دهید بحثمان را به خشونت فیزیکی مستقیم محدود کنیم. بیایید خشونت را به این شکل تعریف کنیم: «رفتاری که در آن برای آسیب‌رساندن، خسارت‌زدن یا کشتن موجودی زنده، چه انسان و چه غیرانسان، از قدرت فیزیکی استفاده می‌شود». کاملاً واضح است که قرار نیست همگی ما بتوانیم بر سر تعریفی از خشونت به توافق برسیم، اما بیایید ببینیم این تعریف از خشونت ما را به کجا خواهد رساند.

اولاً نمی‌توان خشونت را به فعلی جدا از دیگر افعال فروکاست که، با ارجاع به مفهوم یا اصل عدالت، توجیه‌پذیر باشد. در اینجا اندیشه‌ای را از مورخ و نظریه‌پرداز فرهنگ، رابرت یانگ<sup>۱</sup>، وام می‌گیرم: او می‌گوید خشونت «پدیده‌ای است که تاریخی دارد».

---

1. Robert Young (1950-)

خشونت فعل واحدی نیست که زنجیرهٔ فرضی صلح و احتراز از خشونت را می‌شکند، بلکه خشونت به بهترین نحو به مثابهٔ چرخهٔ تاریخی خشونت و ضدخشونت فهمیده شده است. به عبارت دیگر، خشونت نه یک بخشی بلکه دویخشی است. عملی دوگانه نوع بشر را در یک الگوی تکرارشونده به دام انداخته است و به سختی می‌توان از آن گریخت. خشونت و، به ویژه خشونت سیاسی، معمولاً الگوی تکرارشوندهٔ تجاوز و مقابله با تجاوز است که تاریخ و سابقه‌ای بس طولانی دارد.

من الگوهای دربردارندهٔ خشونت نژادی و معطوف به تبعیض نژادی را این‌گونه می‌فهمم. خشونت برای قربانیانش مفهومی انتزاعی نیست، بلکه واقعیتی زیسته است که تاریخی انضمامی دارد. بررسی و قضاوت دربارهٔ خشونت نژادی، که از شاخصه‌های اساسی زندگی کنونی در آمریکاست، بدون داشتن فهمی از تاریخ خشونت نژادی بیهوده است. سابقهٔ این نوع خشونت به استعمار، انتقال اجباری آفریقایی‌ها به کولونی‌های آمریکا و به بردگی کشیدن آن‌ها در مزارع بازمی‌گردد. ما باید تاریخ خشونت را، که خود از آن برآمده‌ایم، بفهمیم.

**T** در این خصوص، همان‌طور که همکار شما ریچارد برنستین<sup>۱</sup> گفته است، حتی وقایع مهم تاریخی همچون حملات ۱۱ سپتامبر ضرورتاً موجب شکل‌گیری تفکر جدی در باب مسئلهٔ خشونت نمی‌شوند.

کریچلی: یک طریقهٔ نگاه کردن به واقعهٔ ۱۱ سپتامبر یا به اصطلاح «طریقهٔ معیار» این است که ایالات متحده با همهٔ جهان بر سر صلح بود تا اینکه ناگاه ترور از آسمان سررسید و برج‌های دوقلو منفجر شدند. بر اساس این طرز نگاه، ۱۱ سپتامبر فعل منفرد و مجزایی بود که به واکنشی موجه نیاز داشت، یعنی جنگ در خاورمیانه، بازداشت تعداد زیادی تروریستِ مظنون در خلیج گوانتانامو و ایجاد تجهیزات سازمانی گسترده برای حفظ امنیت داخلی.

اما راه دیگر نگاه کردن به پدیدهٔ یازده سپتامبر توجه به آن چیزی است که اسامه بن لادن دربارهٔ موضوع گفت. او در سال ۲۰۰۴ در یک فیلم ویدئویی به نام «برج‌های لبنان» برای نخستین بار مسئولیت نقش داشتن القاعده در حملات ۱۱ سپتامبر را پذیرفت.

۱. Richard J. Bernstein (۱۹۳۲-): فیلسوف آمریکایی که دربارهٔ طیف وسیعی از مسائل و سنت‌های فلسفی شامل نظریهٔ انتقادی، فلسفهٔ اجتماعی و هرمنوتیک می‌نویسد [ویراستار].